

Militant

Journal of youth movement in Iran

میلیتانت

نشریه ای برای جنبش دانشجویی ایران

۱۶ آبانماه ۱۳۸۶ - سال اول- ضمیمه ی شماره ۸

روزشمار انقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۷



گرد آورنده : بریان بسجین

برگردان آزاد: رنوا راسخ

روز شمار انقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۷

۲۶ ژانویه

تعدادی از اعضای «گروه کارگری» که بخشی از «کمیته ی صنایع جنگی» بودند به دلیل درخواست برای شکل گیری یک دولت موقت جدید، دستگیر شدند.

۳۱ ژانویه

مردم «پتروگراد» در گرسنگی به سر می برند. انبارهای انباشته از آرد گندم «پتروگراد» فقط کفاف ۱۰ روز خوراک مردم را می داد. توزیع گوشت بطور کامل متوقف شده و صف های بزرگی در بیرون اماکن فروش مواد غذایی شکل گرفته بود. مردم مجبور بودند علی رغم سرمای مشقت بار، جهت سیر کردن شکم خود و خانواده شان در مقابل فروشگاه بایستند و در بیشتر موارد چیزی نصیب شان نشود. در چنین شرایطی بود که زنان بطور خودانگیخته دست به شورش زده و با شکستن در و پیکر مغازه ها وارد آنها شده و مواد غذایی مورد نیاز خود را بدست آوردند.

۱۰ فوریه

یکی از اعضای دولت به نام «میخا یل رودزیانکو» ضمن ملاقات با «تزار» در مورد خیزشهای مردمی در سراسر روسیه به او هشدار داد. «رودزیانکو» تنها راه پرهیز از این حوادث پر آشوب را تقویت و قدرت بخشیدن به «دوما» می دانست. «نیکلای دوم»، اندرز و پیشنهاد وی را رد کرد. همزمان، بلشویکها فراخوان یک اعتصاب را در شهر «پتروگراد» جهت اعتراض به بازداشت اعضای دوما در سال ۱۹۱۵ صادر کردند. علت دستگیری اعضای دوما مخالفت آنها با ادامه جنگ بود.

۱۴ فوریه

هنگامیکه منشویکها تاکید می کردند که اعتصابات باید تنها در حمایت از «دوما» و «قصر تاوریدا» (چون آنها مخالف تزار بودند) باشد، اعتصابی که بوسیله ی بلشویکها فرا خوانده شده بود وسیعا ادامه داشت. ۹۰ هزار کارگر از ۵۸ کارخانه در اعتصاب رفته بودند. پلیس تلاش داشت که تظاهرات کنندگان را دستگیر کند اما آنها با جنگ و گریز پلیس را به عقب راندند. بر خلاف آروزی و میل منشویکها، هیچ کارگری برای «قصر تاوریدا» تظاهرات نکرد. کمیته ی بلشویکی «پتروگراد» فراخوان سرنگونی تزار را صادر کرد.

توجه کنید که در سال ۱۹۱۷ در روسیه از «تقویم جولین» استفاده می شد که ۱۳ روز عقب تر از سایر تقویم ها در سراسر جهان است.

۱ ژانویه

سربازان روسیه سرسختانه از «ریگا» در مقابل تهاجم ارتش آلمان (در جبهه شمال) دفاع کردند، در حالیکه در جبهه ی رومانی (مرکزی)، سربازان روسی مجبور به عقب نشینی شدند. جبهه قفقاز (جنوب) بی سر و صدا و دارای آرامش نسبی بود. روحیه سربازان در ارتش به طور بی حد و حصری پایین بود؛ به طوری که بخش عمده ی از سربازان باوری به اهداف گذشته مبنی بر تسخیر و ضمیمه کردن سرزمین کشورهای دیگر به خاک روسیه را نداشتند. بیش از یک و نیم میلیون سرباز در سال ۱۹۱۶ ارتش را ترک کردند. بسیاری از خانواده سربازان گرسنگی می کشیدند (۵۰٪ در صد کشاورزان در حال جنگیدن بودند)، و بوسیله ی کولاکها از زمین هایشان بیرون انداخته شده بودند.

در ضمن، سرکوب شدید اقلیتهای ملی - مذهبی ادامه داشت. تزار دستور اخراج بخش وسیعی از «یهودیان» را در دولت صادر کرده بود و سربازان بدبخت یهودی به سبیری فرستاده می شدند.

۹ ژانویه

بلشویکها که تعداد اعضایشان بطور چشم گیری در حال افزایش بود، به بیش از ۲۴۰ هزار نفر رسیدند. آنان تظاهراتی را در بزرگداشت جانباختگان «یکشنبه خونین» برگزار کردند. تمامی رهبران اصلی بلشویکها یا در زندان و یا در تبعید به سر می بردند و اکثریت تصمیمات اخیر آنها از اعضای پایینی حولی فعال در صحنه ی عمل - گرفته می شد. ۳۰ هزار کارگر اعتصابی «مسکو» در این تظاهرات شرکت کردند. این در حالی بود که ۱۴۵ هزار کارگر «پتروگراد» ی نیز دست از کار کشیده و اعتصاب خود را آغاز نمودند. در شهرهای دیگر نظیر «باکو»، «خارکف»، و غیره نیز کارگران دست به اعتصاب زدند.

۲۲ فوریه

«تزار» رهسپار ستاد فرماندهی جنگ در «موگیلف» شد. همچنین روسای کارخانه ی «پوتیلف» کارگران اعتصابی را محبوس کردند.

۲۳ فوریه

آتش انقلاب فوریه در «روز جهانی زن» مشتعل گردید. کارگران زن میلیتانت صنایع نساجی و همچنین زنان سربازان در جبهه، علی رغم مخالفت رهبری اتحادیه هایشان، اعتصاب بسیار عظیمی را در «پتروگراد» آغاز نمودند. ۱۲۸ هزار کارگر به خیابانها آمدند. مطالبات اصلی آنان خاتمه بخشیدن به جنگ امپریالیستی و افزایش میزان غذا در شهرها بود. تاریخ بورژوازی این حرکت عظیم سازماندهی شده را بعنوان «قیام نان» نامگذاری کرده است.

۲۴ فوریه

تعداد اعتصابیون از لحاظ کمیت دو برابر شده بود و در حدود ۲۰۰ هزار کارگر در اعتصاب بودند. نزدیک به نیمی از کارگران صنایع «پتروگراد» در اعتصاب بودند. مطالبات جدیدی که از سوی اعتصابیون مطرح شد سرنگونی حکومت دیکتاتوری «تزار» و پایان بخشیدن به جنگ خانمانسوز بود.

۲۵ فوریه

کارگران «ویبورگ» (بلشویک) مراکز پلیس را تسخیر کرده و خطوط تلفن و ارتباطات به دولت را قطع نمودند. برخوردهای مسلحانه با پلیس رخ داد و تعداد بسیار زیادی از مردم کشته و زخمی شدند. در چنین شرایطی «الکساندرا» زن «نیکلای دوم» طی نامه ی به او چنین نوشت: [وقایع اخیر] یک لشکرکشی اوباشان و ولگردان بود، که آنها را دختران و پسرانی همراهی می کردند که فریاد می زدند که نانی برای خوردن ندارند. تمام این چیزهای مطمئنا سپری خواهد شد. «ژنرال خابالف» (رئیس ناحیه ی «پتروگراد»)، در زیر فرمان مستقیم «تزار» مردم را تهدید کرد که از هر وسیله ی ضروری برای جلوگیری از تظاهرات مردم استفاده خواهد کرد.

۲۶ فوریه

در اوایل صبح شنبه، پلیس دست به دستگیری گسترده ی بیش از ۱۰۰ نفر از رهبران سازمانها ی انقلابی زد. سربازان ژنرال «خابالف» به فرمان مستقیم تزار، به سوی کارگران اعتصابی آتش گشودند. در جریان

تیراندازی پلیس بیش از ۱۶۹ نفر از کارگران کشته و بالغ بر ۱۰۰۰ نفر زخمی شدند. نزدیک ساعت ۴ بد ظهر، چهارمین گروه هنگ «پاولوسکی»، از اینکه قسمتی از هنگ آنها به سوی کارگران شلیک کرده بودند، در خیابانها مستقر شدند تا خاطیان را مقهور و مطیع خود سازند. پلیس تزاری سعی نمود که جلوی آنان را بگیرد که درگیری مسلحانه بین آنها آغاز شد. ژنرال «خابالف» به سربازان دستور داد که اسلحه های خود را به زمین بگذارند اما تعدادی از سربازان از فرمان او سر باز زدند و به معترضان پیوستند. کارگران بلشویک در ناحیه ی «ویبورگ» سعی داشتند تا سیر حوادث را به سوی یک قیام مسلحانه سوق دهند.

۲۷ فوریه

انقلابیون بلشویک به قصد شروع یک رابطه دوستانه با سربازان لشکر «ولینسکی» به دیدار آنان رفتند. بعد از ظهر، سربازان تصمیم گرفتند که فرمانده ی آن دسته ی را که روز گذشته به سوی مردم آتش گشوده بودند را بکشند.

سربازان خودشان را مسلح کردند و آشفته گی تمامی هنگ را فرا گرفت. نزدیک بعد از ظهر، هنگ های «لیتوسکی» و «پربرزینسکی» به جریان انقلاب پیوستند. آنها سپس به زرادخانه ی اصلی یورش برده و بیش از ۴۰ هزار اسلحه را تصاحب کردند. سربازان پس از تجهیز کامل خود، جهت آزادی زندانیان سیاسی در زندان «کرسنتی» راهی آنجا شدند.

نزدیک نیمه شب، ۶۶ هزار نفر از سربازان پادگان «پتروگراد» - که یک روز پیشتر فرمان آتش به سوی کارگران اعتصابی را دریافت کرده بودند- با تجهیزات کامل نظامی به اعتصاب کارگران پیوستند. بلشویکها به آغالشگری سیاسی جهت ایجاد یک دولت جدید ادامه می دادند و نمایندگان برگزیده شده ی (کارگران، دهقانان و سربازان) شوراهای «پتروگراد» به قصر «توریدا» وارد شده و کمیته مرکزی خود را شکل دادند. با وجود اینکه بسیاری از بلشویکها در پی ریزی جنبش انقلابی شرکت داشتند، آنها قادر نشدند که نتایج خوبی در شوراها به دست آورند. منشویکها و اس آرها که قول همه چیز را به مردم داده بودند، به موقعیت برتری دست یافتند. هر دو حزب مربوطه بر این اعتقاد بودند که مرحله ی اول انقلاب روسیه کاپیتالیستی است و پس از آن است که گذار به سوسیالیزم در آینده ی نامعلوم امکان پذیر است (این تئوری سیاسی به نام تئوری مرحله بندی معروف است) «ان.اس. چخیدزه» منشویک، رهبر شوراها گردید.

در هنگامی که چرخ های نظام کهنه به چرخیدن خود ادامه می داد. «رودزیانکو» از «دوما» خواست تا گردهم

۳ مارس

کمیته ی مرکزی شورای «پتروگراد» دستور دستگیری «تزار نیکلای دوم» را صادر کرد.

۵ مارس

اولین شماره ی روزنامه ی «پراودا» که قبلا در نتیجه ی موضع گیری در مورد جنگ جهانی اول توقیف شده بود، انتشار یافت.

۶ مارس

دولت موقت یک عفو عمومی را برای همگی زندانیان سیاسی اعلام نمود.

۸ مارس

شوراهای روسیه «کمسیون تماس» را بعنوان ارگانی جهت ارتباط با دولت موقت بوجود آوردند. در عین حال، دولت موقت از درخواست استقلال «فنلاند» که قسمتی از امپراتوری روسیه بود، سر باز زد.

۹ مارس

دولت ایالات متحده ی آمریکا، نخستین کشوری بود که دولت موقت کشور «روسیه» را به رسمیت شناخت. دو روز پس از آن دولت «فرانسه»، «انگلستان» و «ایتالیا» پس از آنکه مطمئن شدند که دولت جدید «روسیه» به جنگ ادامه خواهد داد، آنرا تاکید کردند.

۱۲ مارس

«استالین» پس از آنکه از زندان آزاد شد به «پتروگراد» مراجعت کرد. سه روز پس از آن، بعنوان سردبیر روزنامه ی «پراودا» انتخاب شد. اکثر مواضع راست روانه ی روزنامه ی «پراودا» در این دوره با نظارت و مسئولیت کامل «استالین» صورت گرفت. در همین روز دولت موقت مجازات اعدام را لغو نمود.

۱۴ مارس

شوراهای پتروگراد با خطاب قرار دادن "مردم تمام جهان"، صمیمانه ترین آرزوهای خود را برای صلح و پایان بخشیدن جنگ جهانی اول بدون هر گونه ضمیمه سازی سایر کشورها به روسیه و دریافت غرامت اعلام نمودند.

هم جمع شده و درباره راهکارهای عملی تصمیم گیری نمایند. سپس کمیته ی موقتی بوجود آمد که به فوریت از تزار خواست که برای حفظ موقعیت متزلزلش باید قدرت را با ریاست جمهوری تقسیم نماید. البته تزار این مساله را رد کرد.

۲۸ فوریه

توده های انقلابی شهر «مسکو» را به تصرف خود در آوردند و وزرای تزار دستگیر شدند. کمیته موقت تنها تظاهر به کنترل ارتش می کرد، در حالیکه ملوانان «کرونشات» از فرمان افسران بالا دست خود تمرد می کردند. اولین نسخه ی روزنامه ی شوراهای «پتروگراد» با نام «ایزویستا» انتشار یافت.

۱ مارس

اولین پلنوم مشترک نمایندگان شوراهای کارگران و سربازان، اولین قانون شوراهای صادر کردند:

" این تنها واحدهای سربازان هستند که کمیته های [اجرائی] خود را انتخاب خواهند کرد". این فرمان تصریح می کرد که "سربازان موظف هستند که احکام صادره از طرف شورای سربازان را اجرا و بطور محلی [اعضای] کمیته های خود را انتخاب کنند".

شوراهای همچنین اعضایشان را از تشکیل دولت منع کرده ولی اعتبار «دوما» را به رسمیت شناختند.

۲ مارس

شوراهای و «دوما»، به بحث در مورد تشکیل یک دولت جدید ادامه دادند. در پلنوم شوراهای، بلشویکها فقدان تمرکز بر سر مسائل ارضی، صلح و ۸ ساعت کارروانه را به باد انتقاد گرفتند. بر اساس درخواست کمیته ی موقت، «نیکلای دوم» قدرت را به برادرش «میکائیل» واگذار کرد که او از پذیرش آن امتناع نمود. بدین سان، امید کسانی که می خواستند که سلطنت را به هر ترتیب زنده نگاه دارند نا امید شد. با روی کار آمدن دولت موقت، کارگران، ملوانان و افسران گوناگون مردم به خیابانها ریختند و شروع به پایین کشیدن مجسمه های «تزار» کرده و نشانه های سلطنت را به آتش کشیدند. پلیس تزاری شروع به تیراندازی به سوی مردم نمود اما سربازان شوراهای به سرعت ضاربان را دستگیر نمودند. هر جایی که یک پلیس هویتش در جمع مردم آشکار می گشت، سرنوشت بسیار دهشتناکی در انتظارش بود.

۱۷ مارس

دولت «لهستان» خواستار استقلال این کشور از امپراتوری روسیه شد که با مخالفت دولت موقت روبرو گردید.

۱۹ مارس

دولت موقت تصویب هر گونه قوانین مربوط به واگذاری اراضی به دهقانان را مردود شمرد و به نوعی از آزاد نمودن دهقانان از شرایط برده آور موجود تفره رفت. در عوض، دولت موقت " غارتگری " دهقانان فقیر را که به زور به تصاحب زمین مالکان بزرگ اقدام کرده بودند را محکوم نمود.

۲۰ مارس

دولت موقت تمامی محدودیتهای قومی و مذهبی که قبلا توسط سیستم سلطنت اعمال می شد را ملغا اعلام نمود. حالا، به زبانهای غیر روسی اجازه داده می شد که در مدارس خصوصی تدریس شوند.

۲۱-۲۲ مارس

«نامه های از راه دور» لنین به طور مختصر به چاپ رسید.

۲۷ مارس

«تروتسکی»، «نیویورک» را به قصد بازگشت به «روسیه» ترک کرد.

۳۱ مارس

«پلخانف» بعد از چهل سال تبعید به «پتروگراد» وارد شد. او به آدم کاملا متفاوتی تبدیل شده بود. حالا او از جنگ امپریالیستی برای گسترش قلمرو و پیشرفت سرمایه داری در روسیه دفاع می کرد.

۳ آوریل

«لنین» و «زینوویف» و سایر بلشویکها، از تبعید در کشور «سوئیس» به «پتروگراد» عزیمت کردند. هنگامی

که قطار در ایستگاه «پتروگراد» توقف کرد انبوهی از کارگران، سربازان و اعضای حزب «بلشویک» و سایر گروههای انقلابی با هلهه ی شادی از «لنین» و سایرین استقبال کردند.

۴ آوریل

لنین «تزه های آوریل» خودش را ارائه داد. بلشویکها بزودی جزوه ی آموزشی برای کارگران درباره ی سیاست احزاب در روسیه و وظایف پرولتاریا را تهیه کردند.

در ضمن کشتی بخاری که «تروتسکی» با آن به طرف «روسیه» حرکت می کرد بوسیله ی نیروی دریائی «انگلیس» در «کانادا» متوقف شد و او به همراه تعداد دیگری از سوسیالیستهای روسی ضد جنگ به زندان انگلیسها افتادند.

۱۲ آوریل

دولت موقت قوانینی را در مورد «آزادی تجمع» و «حق تشکیل اتحادیه ها» را به تصویب رسانید.

۱۸ آوریل

جشن عظیمی در روز جهانی کارگر در «روسیه» صورت گرفت. در ضمن وزیر امور خارجه «میلیوکف» به طور مخفیانه به متحدین خارجی خود قول داد که کشور روسیه به جنگ تا تکمیل پیروزی و کسب موفقیت در ضمیمه سازی قلمروهای جدید، ادامه خواهد داد.

۲۰ آوریل

یادداشتهای زد و بند «میلیوکف» با دوول امپریالیستی درز کرد، و بی درنگ سربازان مسلح که بسیار عصبانی بودند به دو روز تظاهرات مداوم دست زدند. بلشویکها تنها به استعفای «میلیوکف» بسنده نکرده و خواستار شکل گیری یک دولت جدید شورایی شدند.

۱ می

شورای «پتروگراد» علی رغم محکومیت بلشویکها و تضادی که با تصمیم اول مارس مبنی بر عدم شرکت در دولت گرفته بودند، در حمایت از دولت ائتلافی رای دادند. یک هفته جلوتر، «لنین» درباره ی خطر قدرت دوگانه ی که در جامعه وجود دارد هشدار داده بود. استعفای «میلیوکف» در روز بعد تسلیم گردید.

۴ می

«تروتسکی» بعد از آزادی از زندان انگلیسها به روسیه بازگشت.

۱۰ می

شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان اعلام کردند که فقط سربازان زخمی و مرخصی گرفته بعنوان جنگجویان غیر نظامی به حساب می آیند.

۱۷ می

شورای «کرونشتات» اعلام کرد که تنها خودشان قدرت حاکم در «کرونشتات» هستند.

۳۱ می

وزیر جنگ «گوچکف» که عضو حزب کادتها بود، بعد از تظاهرات مردم که بر علیه او صورت گرفت مجبور به استعفا شد. «کرنسکی» جانشین او گردید.

۳ جون

اولین کنگره سراسری شوراهای در «پتروگراد» آغاز بکار کرد. کنگره در نهایت بهت و حیرت همگان، با پایان جنگ موافقت کرده و علی رغم مخالفت بلشویکها از دولت موقت دفاع نمود. اختلافات بین بلشویکها و منشویکها بالا گرفت. منشویکها خواستار خلع سلاح بلشویکها شدند در حالیکه این بلشویکها نبودند که مسلح بودند بلکه سربازان شورا بودند که اسلحه در دست داشتند. بلشویکها همچنان بر شعار " تمام قدرت به دست شوراهای" پافشاری می کردند.

۵ جون

پارلمان «فنلاند» (قسمتی از امپراتوری روسیه) اعلام نمود که «فنلاند» دارای یک دولت پر قدرت است و از مساله سیاست خارجی و جنگ مستثنی است. در پی این تصمیم، دولت موقت لشکرهای خودش را به «فنلاند» فرستاده و پارلمان این سرزمین را در هم کوبید.

۱۰ جون

«راد»ی مرکزی (در کیف در چهارم مارس شکل گرفت) ، استقلال «اوکرائین» را اعلام کرد.

کنگره شوراهای که همزمان در «پتروگراد» در جریان بود، اعلامیه ی استقلال «اوکرائین» را با حمایت جمعی اعضای شورا پذیرفت.

در ضمن، تظاهراتی که بلشویکها تصمیم داشتند بر علیه دولت موقت برگزار کنند ، ممنوع گردید. منشویکها سپس به کارخانه ها رفته و به کارگران گفتند که در تظاهرات بلشویکی حاضر نشوند. این روش منشویکی با مخالفت جمعی کارگران روبرو شدند.

منشویکها که از قدرت روز افزون بلشویکها به هراس افتاده بودند مخفیانه با قزاقها دیدار نمودند تا با توسل به قدرت آنها بلشویکها را سرکوب کنند. اما قزاقها در جواب آنان گفتند: ما قزاق هستیم، و هرگز بر علیه رای شوراهای عمل نخواهیم کرد. تمام هنگها ارتش ممنوعیت تظاهرات بلشویکها را فقط مشروط به پذیرش خود بلشویکها قرار دادند. بلشویکها نیز، که بنا به سیاستهای حزبیشان هر گونه تصمیم شوراهای می پذیرفتند، از انجام تظاهرات پرهیز کردند.

۱۱ جون

منشویکها به حملات خود به بلشویکها ادامه داده و این بار مدعی شدند که بلشویکها از دولت آلمان پول می گیرند و باید دستگیر شوند. بعد از یک روز بحث سخت در درون کنگره شوراهای، منشویکها در خواست خلع سلاح کارگران را رها کردند. آنها به این نکته پی برده بودند که در پی پافشاری بر عدم برپایی تظاهرات در ۱۰ جون، اعتبارشان را از دست داده اند. منشویکها برای اینکه بتوانند مجددا آب به زمین ریخته را به جای خود باز گردانند، طرح انجام یک تظاهرات در هجدهم جون را دادند که از طرف کنگره شوراهای پذیرفته شد.

۱۸ جون

«کرنسکی» بدون توجه به روحیه خیلی پایین سربازان، لجسنتیک ضعیف و مهمتر از همه غیبت یک تفکر استراتژیک جنگی، دست به حمله ی تازه در جبهه شرقی زد. آلمانیها نیز در پاسخ دست، به یک ضد حمله زدند و ارتش روسیه را تار و مار نمودند. بیش از ۱۵ هزار نفر از سربازان روسی کشته و نزدیک ۲۵ هزار نفر از آنها زخمی شدند.

تظاهرات بلشویکها که طرفدار صلح بودند با استقبال بسیار گسترده ای روبرو شد. بیش از ۴۰۰ هزار نفر از کارگران و سربازان در شهرهای «پتروگراد»، «مسکو»، «کیف»، «خارکف» و شهرهای دیگر در

حالی که پرچمهای بلشویکها را در دست داشتند به خیابانها آمدند.

۲۱ جون

بعد از تظاهرات هیجدهم مارس، کارگران کارخانه ی «پوتیلف» دست به اعتصاب زدند. بلشویکها به همراه کارگران هفتاد کارخانه ی دیگر با کارگران اعتصابی ملاقات کردند و حمایت خودشان را از خواستهای آنها اعلام داشتند. کارگران گرسنگی می کشیدند. سربازان خواستار بازگشت به خانه و کاشانه ی خود بودند تا بتوانند بروی زمینهای زراعی کار کرده و شکم خود و خانواده شان را سیر کنند. هنگ شماره یک مسلسل اعلان کردند که لشکر آنان فقط برای جنگی که دارای مشخصات انقلابی باشد به جبهه اعزام خواهد شد. بخش وسیعی از سربازان بلعت اینکه از فرمانهای افسرهای بالادست تمرد کردند، زندانی شدند. سربازان به طور مرتب از بلشویکها می خواستند که آنان فوراً دولت را سرنگون نمایند؛ اما بلشویکها حمایت تمام شورا را نیاز داشتند. «لنین» دریافته بود که شرایط خطرناک جاری باعث می شود که شورا سیاست شان را تغییر داده، که در آن صورت شرایط برای یک انقلاب واقعی، دمکراتیک و شورایی مهیا می شود.

۲۲ جون

آنارشیستهای «کرونشات» خواستار آزادی آنارشیستهای «پتروگراد» شدند. آنها طی بیانیه ی اعلام نمودند، در صورت عدم آزادی زندانیان آنارشیست، آنها خودشان به زور این کار را خواهند کرد.

۲۴ جون

«ایزویستا» از نقشه ی دولت موقت برای بستن تعدادی از کارخانجات در شهر «پتروگراد» خبر داد که عامل بیکاری هزاران نفر خواهد شد. پادگان «ارانیبوم» به دولت اعلام نمود که آنها از «کرونشات» حمایت می کنند.

۲۶ جون

لشگر گارد «گرنادیر» از جبهه بازگشتند و به آنارشیستهای «کرونشات» پیوستند.

۱ جولای

هنگ شماره دوم مسلسل خواستار شد تا "تمام قدرت به شوراها واگذار شود". این در حالی بود که هنگ شماره

ی سوم پیاده نظام نیز از فرستادن ۱۴ گروهان جایگزین به جبهه خودداری نمود. در ضمن هنگ شماره اول مسلسل راهپیمایی ی را از «ارانیبوم» به مقصد «پتروگراد» انجام دادند. کمیته مرکزی شورا، که دستش با دولت موقت در یک کاسه بود از سربازان خواست که به خانه های خود بازگردند که آنها از این امر سر باز زدند. بلشویکها برای مسلسل چی ها غذا و محل اقامت سازمان دادند. بنا به گفته های «سوخانوف» تاریخدان و شاهد عینی: " در این روزها در «پتروگراد» احساس می شد که شهر بر روی لبه ی سقوط و یا چیزی به مانند انفجار قرار دارد".

۳ جولای

هزاران مسلسلچی پس از دریافت فرمان مبنی بر حضورشان در جبهه، جلسه ای دربارہ ی سرنگونی مسلحانه دولت موقت تشکیل دادند. بلشویکها سعی می کردند که همه چیز را آرام کنند ولی آنارشیستهای بر روی آتش انزجار و تنفر سربازان بر علیه شرایط فعلی بنزین می ریختند. سربازان تصمیم به راهپیمایی گرفتند و نمایندگان خود را به یک به یک کارخانه ها فرستادند تا کارگران را به تظاهرات حق طلبانه ی خود فرا بخوانند. کارگران نیز همه چیز را رها کرده و به راهپیمای پیوستند. بالغ بر ده هزار نفر در این راهپیمایی شرکت کردند. بلشویکها تاکتیک خود را عوض کردند. دیگر سعی نمی کردند تا جلوی مردم را بگیرند. آنها توافق کردند که از حرکتهای توده ای مردم پشتیبانی کنند تا جایی که این حرکتها به طور مسالمت آمیز بوده، نمایندگان خودشان را انتخاب کنند و مطالبات خودشان را برای رسیدگی در اختیار کمیته مرکزی شوراها قرار دهند. مردم نیز موافقت خودشان را با این درخواست بلشویکها اعلام کردند. در ضمن، دولت موقت تمام روز را برای احضار سربازان از سرتاسر کشور برای دفاع از پایتخت صرف نمود. منشویکها و اس آر ها، بلشویکها را بخاطر پی ریزی قیام توده ای توبیخ می کردند و مدعی می شدند که آنها باعث تهدید شوراها می شوند. ترکیب رهبری شورای پتروگراد تغییر کرده و بلشویکی شد. علی رغم این که بلشویکها اکثریت را در کمیته مرکزی به دست آوردند، منشویکها و اس آر از همکاری و یا کناره گیری سر باز زدند و در این نهاد باقی مانده و کنترل کمیته مرکزی را همچنان در دست گرفتند. این مساله سبب شد که فاصله ی بین شوراها ی محلی و کمیته ی مرکزی هر چه بیشتر افزایش یابد.

۴ جولای

در ساعت ۳ بامداد، ۸۰ هزار کارگر و سرباز به «قصر تاوریدا» رفتند و در آنجا با افسران دانشگاه افسری که

شد که ملوانان «کرونشتات» در عوض بازگشت آزاد به شهر خود، اسلحه های خود را تسلیم کنند.

اعتصاب عمومی پایان یافت و کارگران از ترس بازداشت به سر کارهای خود باز گشتند. سرکوب و ترور دولتی بالا گرفت و تعداد زیادی به عنوان جاسوس دستگیر شدند. تمام لشکرهای که حامی دولت موقت بودند و به پیروگراد فرا خوانده شده بودند، سر رسیدند و این نیروها برای گسترش جو رعب و ترس با رژه در خیابانها، قدرت خودشان را به رخ مردم کشیدند.

۷ جولای

دولت موقت فرمان بازداشت «لنین» را صادر نمود و ادعا نمود که او جاسوس آلمانها است و بلشویکها مسبب قیام اخیر بوده اند. دولت در فرمان دیگری انحلال پادگان «پیروگراد» را اعلام کرد.

۸ جولای

بعد از استعفا ی «لووف»، «کرنسکی» بعنوان رئیس دولت منصوب شد. دولت موقت برای بهبود روابط عمومی خودش دست به تلاشهای مذبوحانه زد. از همین رو انجام مواردی نظیر: برگزاری انتخابات مجلس موسسان در هفدهم سپتامبر، تصویب قانون هشت ساعت کار در روز، ایجاد شرایط ایمنی محیط کار و اصلاحات ارضی را وعده داد. هیچ یک از این وعده ها از سوی دولت موقت انجام نشد.

۱۱ جولای

«لنین» که از طرف ماموران دولت موقت تحت تعقیب بود، مخفی شد.

۱۲ جولای

دولت موقت یک قانون جدیدی در رابطه با دادگاههای نظامی در جبهه ها مبنی بر تیرباران کسانی که عقب نشینی می کنند را صادر کرد. بعلاوه، تمامی ایده های سیاسی رادیکال سانسور شده و تعداد زیادی روزنامه بسته شدند.

۱۸ جولای

«ژنرال ل. جی. کورنیلف» به فرماندهی عالی ستاد نیروهای نظامی روسیه رسید.

دولت معمولاً از آنها برای سرکوب بلشویکها استفاده می کرد و روبرو شدند. افسران دانشگاه افسری شروع به درگیری با تظاهرات کنندگان و پاره کردن پلاکاردهای آنان کردند. یک تیر شلیک شد ولی خوشبختانه از هر گونه خونریزی پرهیز گردید.

نزدیک ساعت یازده صبح بود و هنوز تظاهرات کنندگان کاملاً جمع نشده بودند که تمامی هنگهای سربازان سر رسیدند. این بار سربازان تنها نبودند که در صف اول تظاهرات قرار داشتند بلکه کارگران نیز به آنها پیوستند. حتی کارخانه های که منشویکها و اس آر ها را پشتیبانی می کردند، از هر ۵ کارگر ۴ نفرشان، به تظاهرات اعتصاب عمومی پیوستند. «لنین» برای تظاهرات کنندگان صحبت نمود و آنها را تشویق به سر دادن شعار " همه قدرت به دست شوراها" نمود.

بیشتر از ۵۰۰ هزار نفر از مردم در تظاهرات در «پیروگراد» حاضر شدند. اولین گروه از سربازان که از جبهه به شهر «پیروگراد» آمده بودند، آمادگی خود را برای دفاع از دولت موقت اعلام کردند و در ترس از انقلاب قریب الوقوع به کمین تظاهرات نشسته و بیش از ۴۰۰ نفر از تظاهرات کنندگان را کشته و زخمی کردند. منشویکها که دستشان به خون مردم بی گناه آغشته بود، از مردم خواستند که به خانه هایشان باز گردند.

۵ جولای

در ساعت شش بامداد، دولت شروع به تهاجم نمود. دفاتر و ماشینهای چاپ روزنامه ی «پراودا» همگی نابود شدند. کارگرانی که روزنامه توزیع می کردند در خیابانها به ضرب گلوله ی سربازان طرفدار دولت موقت کشته می شدند. ماموران تجسس دولت موقت سپس به جستجو در دفتر کمیته مرکزی بلشویکها در «پیروگراد» پرداختند. کارگران شورا و اتحادیه ها در ابعاد وسیعی دستگیر شدند. جو ترس و ارباب همه ی شهر را فرا گرفت و تقریباً وضعیت استراری جنگی برقرار شد. بسیاری از مردم وارد شدن به این شرایط را از سیاستهای اشتباه لنین و بلشویکها می دانستند.

۶ جولای

در حدود ۱۲۰ نفر از سربازان «کرونشتات» از تسلیم شدن پرهیز نمودند و به استحکامات نظامی «پیتر» و «پل» عقب نشینی کردند. گارد سرخ (میلیشای منظم کارگران کارخانه) از ملوانان دفاع کرده و به آنها ضمانت پشتیبانی داد. نیروهای سرکوبگر دولتی دست از کار نکشیده و شروع به ساختن سنگر و محاصره کردن آنها نمودند. «استالین» بین دو طرف میانجیگری کرد و قرار

۲۴ جولای

۱۴ آگوست

دومین دولت ائتلافی شکل گرفت. «کرنسکی» خودش را بعنوان رئیس جمهور تعیین کرد. منشویکها، اس.آر.ها و کادتها به دولت پیوستند.

زمانیکه ژنرال «کورنیلف» به پتروگراد رسید، تفرقه افراد و جناحهای که در کنفرانس دولتی شرکت داشتند بسیار مشهود بود. «کرنسکی» از کابینه دولتش دفاع کرد. «میلیکوف» می نویسد: "در حقیقت، او فقط احساس تحرم دیگران را طلب می کرد". «کورنیلف» صحبت‌هایش را با امکان شکست سخت ارتش روسیه در جنگ آغاز کرد و توضیح داد که آلمانیها قادرند به راحتی «ریگا» را فتح کنند، و اگر آنها به او اجازه ندهند که یک دیکتاتوری نظامی مستقر کند، «پتروگراد» سقوط خواهد کرد.

۲۶ جولای تا ۳ آگوست

ششمین کنگره ی «حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه» تشکیل شد که در آن نمایندگان بیش از ۲۴۰ هزار عضو حزب شرکت داشتند. از آنجائیکه «لنین»، «تروتسکی»، «کامنف» و «زینوویف» از کنگره غایب بودند، «استالین» از فرصت استفاده کرد و به جای شعار "تمام قدرت به دست شوراها"، شعار "دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان" را مطرح نمود. کنگره همچنین مقرر داشت که یک انقلاب مسالمت آمیز غیر ممکن است.

۱۸ آگوست

شورای «پتروگراد»، علی رغم مخالفت رهبر منشویکها «چیدیزه» بر روی الغای مجازات اعدام رای گیری کردند. نتیجه رای گیری (۹۰۰ رای موافق بر ۴ رای مخالف) نشان داد که اکثریت اعضای شورا موافق لغو این مجازات ضد انسانی بودند. در ۲۲ آگوست دولت موقت تصمیم شورا مبنی بر لغو حکم اعدام را از ترس بالا گرفتن اعتراضات مردمی پذیرفت.

پس از ماه مارس، ۵۶۸ مرکز صنعتی و کارخانه با بیش از ۱۰۴ هزار کارگر، بسته شدند. قیمتها ۲۴۸ برابر به نسبت سال ۱۹۱۳ افزایش پیدا کردند.

۱۹ آگوست

«کورنیلف» از «کرنسکی» خواست که به ارتش او اجازه دهد تا به شهر «پتروگراد» بیایند که «کرنسکی» خواست او را رد کرد.

مناطق شهری بدترین شرایط ممکن را دارا بودند. در «مسکو» نرخ تورم به ۸۳۶ رسید. در ضمن حقوق ها ۵۷/۴ در صد نسبت به سال ۱۹۱۳ کاهش داشت. جیره ی نان بسیار کم بود. در «مسکو» هر نفر فقط ۲ پوند جیره هفتگی نان داشت.

۲۱ آگوست

آلمانیها همانطور که «کورنیلف» پیش بینی کرده بود، «ریگا» را به تصرف خود در آوردند. هیچ گونه تلاش دفاعی در شهر «ریگا» از طرف ارتش روسیه صورت نگرفت و همه ی آنها از این گلوگاه بلشویکها عقب نشینی کردند. بر طبق گزارش «جان رید» بسیاری از درجه داران و بورژوازی ترجیح می دادند از آلمانیها شکست بخورند تا از بلشویکها. «کرنسکی» از آنجایی که فهمیده بود وضعیت جبهه ها بسیار خراب است به آنجا سفر کرده و با تعدادی از ژنرال ها ملاقات نمود. در این ملاقات «کرنسکی» به آنها قول داد که نقشه هایی برای کنترل نظامی در شهرها دارد که بزودی به اجرا خواهد گذاشت. «کورنیلف» نیز ۴۰۰۰ هزار نفر از افسران وفادار به خود (چهار نفر از هر هنگ) را فراخواند و تدارک حمله به بلشویکها را ریخت. او می خواست با طرح یک کودتای قریب الوقوع، تمام بلشویکها را دستگیر و تیرباران کند. «کورنیلف» با نقشه ی «کرنسکی» مبنی بر دیکتاتوری نظامی موافق بود ولی در صورتی که خود «کرنسکی» از قدرت کناره بگیرد.

در این ماه در بیش از ۴۴۰ مورد، دهقانان و سربازان زمین های زمینداران بزرگ را به تصرف خود در آوردند. دولت موقت فقط قادر بود تمام انرژی خودش را صرف سرکوب این خیزش های بی شمار نماید.

۱۲-۱۵ آگوست

دولت موقت یک کنفرانس دولتی در شهر «مسکو» برگزار کرد. کارگران شورا دستپاچه و در مقابله با این کنفرانس درخواست به اعتصاب عمومی دادند؛ اما شورای «پتروگراد» با ۳۶۴ رای مخالف در مقابل ۳۰۴ رای موافق با این اقدام مخالفت نمود. کارگران این مساله را پذیرفتند ولی در عوض، در یک روز ۴۰۰ هزار کارگر دست از کار کشیده و به راهپیمایی دست زدند.

در شورا، رای گیری ی بر سر برگزاری انتخابات جدید صورت گرفت که بیش از ۱۷۵ نفر به برگزاری انتخابات رای مثبت دادند.

۲۲ آگوست

اصلی شکست مفتضحانه ی نیروی نظامی روسیه در «ریگا» را دولت موقت معرفی کرد.

«کورنیلف» سه لشکر پیاده نظام را برای تسخیر «پتروگراد» به این شهر اعزام نمود. «کرنسکی» از روی ضعف و استیصال برای لشکرهای «کورنیلف» که به سوی «پتروگراد» در حال حرکت بودند پیام ایست فرستاد. در خلال این حوادث، بلشویکها نیز شروع به سازماندهی و مسلح کردن کارگران «پتروگراد» برای دفاع از خودشان شدند.

۲۸ آگوست

«کرنسکی» در مورد خائن خواندن «کورنیلف» دچار دو دلی شد و از روزنامه ها خواست که از انتشار آن خودداری کنند. ولی کار از کار گذاشته بود و اکثر روزنامه ها آن را چاپ کردند. قیمت اکثر کالاهای با انتشار خبرهای صبح روند صعودی گرفت و بورژوازی مطمئن شدند که در این جنگ ناخواسته «کورنیلف» برنده خواهد بود. از طرف دیگر هیئت نظامی اعزامی به روسیه نیز شروع به حمایت از «کورنیلف» نمود.

کارگران در عین حال نقشه های دیگری در سر داشتند. وقتی قسمتی از ارتش «کورنیلف» خود را به ایستگاه قطار «پتروگراد» رسانید، کارگران راه آهن سعی نمودند تا در آمدن قطار به ایستگاه تاخیر ایجاد کنند و تعدادی از سربازان نیز به جهت اشتباهی فرستاده شدند. کارگران از آنجائی که با قزاقان دوست بودند شروع به تبلیغات سیاسی در بین تعدادی از آنان کردند. فرماندهی قزاقان به نام «کریموف» که از تبلیغات بلشویکها به هراس افتاده بود به لشکر خود فرمان داد که «پتروگراد» را ترک و در روستای که چندین کیلومتر با این شهر فاصله داشت اطراق کنند. همین که قزاقان به آن روستا نقل مکان کردند، کارگران بلشویک بدون اینکه دستوری از مقامات بالایی حزبی دریافت کنند به آن روستا رفته و شروع به تبلیغات در بین قزاقان نمودند. قزاقان به زودی مبادرت به تشکیل جلساتی به مانند شوراها نمودند. لشکر دیگر «کورنیلف» که به «لشکر وحشی» شهرت داشت به سر نوشت مشابه ای دچار شد. سربازان این لشکر، بعد از تبلیغات و آغاشگری بلشویکها، پرچمهای سرخ را به معنی پذیرش راه بلشویکها بالا برده و فرماندهی خود را بازداشت کردند. طرفداری از خط انقلابی به شکل وصف ناپذیری در حال گسترش در بین توده ها بود.

۲۹ آگوست

تقریباً هر منطقه ای در «پتروگراد» به سازماندهی «گارد سرخ» خود پرداختند. بیش از ۴۰ هزار کارگر مسلح با

«کرنسکی» گمان می کرد که به یک توافق با «کورنیلف» و شرکا، برای برقراری دیکتاتوری در روسیه دست یافته و از «کورنیلف» خواست تا سواره نظامش را برای اجرای قوانین نظامی راهی «پتروگراد» بکند. «کورنیلف» کمی درنگ کرد.

۲۵ آگوست

به «کرنسکی» اطلاع داده شد که سوار نظام «کورنیلف» همانطور که او درخواست کرده بود برای انجام کودتای نظامی آماده هستند. حتا خود حزب «کرنسکی» هم از معامله پنهانی که او با «کورنیلف» صورت داده بود، بی خبر بود.

هنگامی که «کرنسکی» در حال بازی شطرنج با «کورنیلف» بود، «کورنیلف» به او هشدار داد از آنجائیکه جان وی در «پتروگراد» بسیار در خطر است، بهتر است که او تحت حراست شخصی «کورنیلف» در آید. این سخنان باعث ایجاد شک و تردید در «کرنسکی» شد.

۲۶ آگوست

«کرنسکی» به زودی از جاه طلبی برای برپایی دیکتاتوری دست کشید و دست به طراحی نقشه بر علیه «کورنیلف» زد. حزب کادتها بعد از این قضیه از دولت موقت کناره گرفت و منتظر شدند تا ببینند که کدام طرف درگیر به پیروزی قطعی خواهد رسید. دولت موقت برای آنکه از بورژوازی حمایت کسب کند طی جلسات متعدد با زمینداران بزرگ روسیه، موافقت خود را با دو برابر شدن قیمت گندم اعلام داشت. این تصمیم با مخالفت کمیته ی مرکزی شوراها روبرو شد.

در ضمن مطبوعات بلشویکی بطور پیوسته بر علیه شایعات و فراخون های دروغینی که بوسیله ی مخالفان شان خطاب به مردم نوشته می شد و آنان را به قیام دعوت می کرد، می نوشتند.

۲۷ آگوست

«کرنسکی» حکم بر کناری «کورنیلف» را از سرفرماندهی برای او فرستاد و از او خواست که سریعاً به «پتروگراد» باز گردد. در عوض «کورنیلف» با جاسوس خواندن دولت موقت، آنان را گروگانهای ی در دست بلشویکها و شورا توصیف نمود. او همچنین مسبب

۴ سپتامبر

«تروتسکی» و سایر رهبران «بلشویک» بعد از فشارهای توده های مردم به دولت موقت، از زندان آزاد شدند. «کرنسکی» تلاش نمود «کمیته انقلابی نظامی» را منحل کند ولی آنها نپذیرفتند.

۵ سپتامبر

شورای «مسکو» حمایت خودشان را از دولت شورایی اعلام کردند (۳۵۵ رای موافق در مقابل ۲۵۴ رای مخالف). در کنگره ی شوراهای سبیری که در شهر «کراسنویارسک» برگزار شد، حاضرین مجدداً حمایت خودشان را از «حزب بلشویک» اعلام داشتند.

۸ سپتامبر

ملوانان ناوگان «بالتیک»، از طریق ارگانهای تصمیم گیری خود، اعلام کردند که آنها هیچ دستوری را از طرف دولت موقت اجرا نخواهند کرد. در اول سپتامبر کمیته مرکزی ناوگان دریای سیاه خواستار آن شد که " همه قدرت به شوراهای و اگذار شود!" در ضمن، شورای شهر «کیف» در حمایت از حکومت شورایی رای دادند (۱۳۰ رای موافق در مقابل ۶۶ رای موافق).

۹ سپتامبر

منشویکها و اس آر ها بسیار سخت و نامیدانه سعی نمودند تا بار دیگر نفوذ خود در شوراهای را بدست آورند. در همین راستا آنان یک جلسه ی جدیدی را فرا خواندند و در آن بیش از ۱۰۰۰ نفر از نمایندگان حضور پیدا کردند. منشویکها سعی داشتند با این جلسه تصمیمات جلسه ی اول سپتامبر را خنثی کنند. نمایندگان شورا مجدداً رای گیری کردند و اینبار اکثریت شرکت کنندگان به حکومت شورایی رای دادند (۵۱۹ رای موافق در مقابل ۴۱۴ رای مخالف).

۱۲ سپتامبر

«لنین»، «درسهای انقلاب» را که به بازگویی حوادث انقلاب پس از ماه فوریه می پرداخت بطور قانونی انتشار داد. او همچنین یکی از معروف ترین کتابهای تئوریک خود را نیز با عنوان «دولت و انقلاب» به پایان رسانید.

۱۴ سپتامبر

«لنین» اثری بنام «فاجعه در حال وقوع و چطور می توان با آن مقابله کرد» را به رشته ی تحریر در آورد.

حمایت هزاران نفر کارگران راه آهن، پست و تلگراف دست به دست هم دادند که از پیشرفت «کورنیلف» به سمت «پتروگراد» جلوگیری کنند. کارگران راه آهن ریل ها را از جای در آوردند تا از وارد شدن قطار سربازان لشکرهای «کورنیلف» جلوگیری کنند و کارگران پست و تلگراف نیز با کاهش دادن سرعت ارتباطات نظامی و فرستادن یک کپی از آنها به بلشویکها عملاً تمام نقشه های دشمن را پیش از آنکه عملی شود افشا می نمودند. کارگران مسلح گاردهای سرخ در این روزها بیش از ۱۶ ساعت کار می کردند. سربازان بلشویک از «کرونشتات» و «ویبورگ» وارد «پتروگراد» شدند. در ضمن پادگانها در «کرونشتات» و «ویبورگ» دست به قیام زدند و هر افسری که به «کورنیلف» وفادار بود را کشتند.

۳۰ آگوست

شورا اعلام نمود که ارتش «کورنیلف» شکست خورده و آنها بکلی روحیه ی خودشان را از دست داده اند.

۱ سپتامبر

موجی از حمایت از کمیته مرکزی شورا از «اورال»، «دونباس» - منطقه ی صنعتی مرکزی، «اوکرائین»، «بیلاروس» و آسیای مرکزی و غیره به «پتروگراد» رسید. ۱۲۶ شورای محلی خواستار کسب قدرت بوسیله ی شورای «پتروگراد» شدند. شورای «پتروگراد» پذیرفت که قطعنامه ی پیشنهادی در مورد حمایت از حزب «بلشویک» را به رای بگذارد. منشویکها و اس آر ها تلاش کردند که تصویب این قطعنامه را به تاخیر بیندازند اما نتوانستند کاری از پیش ببرند و این قطعنامه با ۲۷۹ رای مثبت و ۱۱۵ رای منفی از طرف شورای «پتروگراد» پذیرفته شد. بلشویکها توانستند که حمایت چهار شهر بزرگ و صنعتی روسیه یعنی «پتروگراد»، «ایوانو-وزنیسنک»، «کرونشتات» و «کراسنویسک» را به دست آورند. تعداد اقدام به تسخیر زمینها ی زمینداران بزرگ توسط دهقانان فقیر به ۹۵۸ مورد رسید.

در ضمن، «کرنسکی» اعلام کرد که روسیه جمهوری است و ژنرال «کورنیلوف» را دستگیر کرد.

۲ سپتامبر

جلسه ی شوراهای «فنلاند» (که بخشی از کشور روسیه بود) به حکومت شورایی رای داد (۷۰۰ رای موافق در مقابل ۱۳ رای مخالف). موضع حزب «بلشویک» در مورد حق ملیتها تحت ستم کاملاً روشن بود و در کمتر از دو ماه «فنلاند» استقلال خودش را به دست آورد.

۲۵ سپتامبر

سومین جلسه ی دولت ائتلافی در میان مخالفت بی شائبه ی شوراهای انجام گرفت. «تروتسکی» به عنوان رئیس شورای «پتروگراد» منصوب شد.

ماه اکتبر

در سال ۱۹۱۷، اتحادیه های کارگری در روسیه نزدیک به ۲ میلیون نفر عضو داشتند. این در حالی بود که جمعیت کشور ۱۴۵ میلیون نفر بود. هیچ گونه اطلاعاتی میسوطی در مورد جمعیت دقیق کارگران در سال ۱۹۱۷ وجود ندارد. تنها در سال ۱۹۲۶ بعد از رشد بزرگ اقتصادی است که ما می توانیم به یک سری آمار در مورد تعداد کارگران در روسیه دست یابیم که در حدود ۷/۹۳ میلیون نفر را نشان می دهد. این جمعیت تنها ۵ درصد از کل جمعیت شوروی را تشکیل می داد که بدون شک تعداد کارگران در دوران انقلاب در سال ۱۹۱۷ به مراتب از این تعداد کم تر بود.

دوستی بین سربازان روسی و آلمانی بطور چشم گیری افزایش یافت و در جبهه ها سربازان دست به شورش های پی در پی زده و از ایده ی «انتخاب افسران به رای خود» پشتیبانی کردند.

۵ اکتبر

با حضور تعداد زیادی از رهبران بلشویکها، حزب مجددا در مورد شرکت بلشویکها در پارلمان مقدماتی دست به انتخابات زد که این بار تنها یک رای (از جانب کامنف) به شرکت در پارلمان مقدماتی و پیوستن به دولت داده شد.

۶ اکتبر

سربازان شورای «پتروگراد» اعلام کردند که دیگر هیچ گزارشی را به دولت موقت نخواهند داد.

۷ اکتبر

پارلمان مقدماتی اولین جلسه ی خودش را آغاز نمود. سخنران بلشویکها، «تروتسکی» سخنرانی اش مانند یک بمب موثر و مخرب بود. او اعلام کرد که بلشویکها در این پارلمان مقدماتی شرکت نخواهند کرد.

در حدود ۱۱ روز، عده ای از منادیان پارلمان مقدماتی سعی کردند که در صفوف باقی مانده ی اعضای این پارلمان اتحاد ایجاد کند ولی کاری از پیش نبردند.

در این اثر لنین طرح کلی مفصلی را در مورد اینکه بلشویکها چه کارهای را باید برای جلوگیری از نابود شدن روسیه انجام دهند را تشریح نمود. او همچنان دو نامه به کمیته مرکزی در «مسکو» و «پتروگراد» ارسال کرد و توضیح داد که بلشویکها باید قدرت را به دست بگیرند.

۲۲ - ۱۴ سپتامبر

دولت موقت فراخون تشکیل کنفرانس دمکراتیک را صادر کرد و بیش از ۱۲۰۰ نماینده در آرزوی ایجاد یک قانونی دمکراتیک در این کنفرانس شرکت کردند. بلشویکها نیز در این جلسه حاضر شدند. دولت موقت نقشه داشت که از این طریق «لنین» و «زینوویف» را به تله بیاندازد ولی آنان در این کنفرانس شرکت نکردند. این کنفرانس علیه تشکیل یک دولت جدید ائتلافی رای داد. اعضای دولت موقت که از این تصمیم ناراضی و ناراحت بودند، تصمیم گرفتند که در داخل کنفرانس، شورای موقت نمایندگان را شکل داده تا از این طریق بتوانند نتایج کنفرانس را به نفع خودشان تغییر دهند. در همین راستا پارلمان مقدماتی شکل گرفت که اعضای آن اکثرا بوسیله ی دولت موقت انتخاب شدند و این گروه یک دولت ائتلافی را تصویب کردند. بلشویکها علی رغم مخالفت «تروتسکی»، موافقت کردند تا در پارلمان مقدماتی شرکت کنند.

در همین زمان بود که «لنین» نیز مقاله ای تحت عنوان در «مورد مصالحه» را به رشته نگارش در آورد که در آن آمده بود که بلشویکها می توانند وارد همکاری و مصالحه با دیگران بشوند تا زمانی که به اصول بنیادی شان دست داری و خیانت نشود.

۱۸ سپتامبر

«کرنسکی» فرمان انحلال کمیته ی مرکزی ناوگان «بالتیک» را اعلام کرد. ناوگان این فرمان را رد کرد. همچنین در شهر «تاشکند»، شوراهای دولت محلی را سرنگون نمودند. کرنسکی لشکریان سرکوبگرش را به آنجا اعزام نمود تا مجددا شهر را تحت کنترل خود در آورند که در این کار موافق شد. بسیاری دستگیر شدند و به مانند دوران سیاه سرف ها، در ملا عام شلاق خوردند. کارگران ۴۰ شورا به فوریت فراخوان یک اعتصاب عمومی را در واکنش به این وحشی گری اعلام نمودند که به مدت یک هفته به طول انجامید.

۲۳ سپتامبر

کمیته مرکزی بلشویکها با لیستی از کاندیداهای خود برای شرکت در مجلس موسسان موافقت کردند.

۱۰ اکتبر

کمیته مرکزی بلشویکها در مورد تصمیم قطعی در رابطه با سرنگونی دولت موقت به بحث و تبادل نظر پرداخت و آنرا به تصویب رسانید. «لنین» که سه روز پیشتر خودش را به طور مخفیانه به «پتروگراد» رسانده بود تاکتیک های پیشنهادی خودش را ارائه داد. «کامنف» و «زینوویف» به شدت با تصمیم سرنگونی دولت موقت مخالفت کردند.

«پولیت بورو» در چنین روزی شکل گرفت.

۱۲ اکتبر

شورای «پتروگراد»، کمیته ی انقلابی نظامی خودش را برای رهبری قیام تشکیل داد.

۱۸ اکتبر

«زینوویف» و «کامنف» نقشه ی بلشویکها در مورد زمان وقوع قیام را در روزنامه ی «گورکی» به چاپ رساندند. «لنین» علی رغم رابطه ی نزدیکی که با آنها داشت خواستار اخراج هر دوی آنها از حزب شد. «کامنف» و «زینوویف» از موقعیت خودشان دفاع کرده و مدعی شدند که آنها تنها عقیده ی متفاوت خودشان را ابراز داشته اند. «لنین» در پاسخ به آنها گفت که اختلاف عقیده مطمئناً قابل قبول است اما نه بعد از تصمیم جمعی حزب در مورد مساله ی با چنین اهمیت حیاتی ی. بزودی هر دوی آنها از سوی حزب بخشیده شدند و فعالیت خود را در صفوف حزب ادامه دادند.

۱۹ اکتبر

«کرنسکی» از دبیر کل «اوکرائین» خواست که احتمالاً برای توقیف شدن راهی «پتروگراد» شود. نماینده ی منطقه ای همچنین دستور داد تا در مورد "فعالیت های جنایتکارانه ی" «رادا» تحقیق صورت بگیرد.

«کرنسکی» همچنین دستور دستگیری افسران انتخاب شده در ناوگان «بالتیک» را در صورتی که همچنان از پرداخت کرایه کشتی هایشان پرهیز کنند صادر کرد. کمیته ی منطقه ای به «کرنسکی» در مورد اجرای این تصمیم، هشدار داد.

در ضمن، کنفرانس سراسری کارخانجات و اصناف شعار " همه قدرت به دست شوراها " را تصویب نمود.

۲۰ اکتبر

«ورخوسکی»، وزیر جنگ که اخیراً انتخاب شده بود قبل از تشکیل پارلمان مقدماتی طی نطقی خواستار پایان دادن فوری جنگ و برقراری صلح پایدار شد. او گفت اگر «روسیه» صلح نکند با فاجعه ی کامل روبرو خواهد شد.

۲۳ اکتبر

برای چندین هفته بلشویکها کمپین گسترده ی تبلیغاتی ی را در سراسر روسیه آغاز نمودند. «لنین»، «زینوویف»، «کامنف»، «تروتسکی» و «سوردالف» به طور سختگی ناپذیری سخنرانی می کردند. در چنین شرایطی بود که هزاران کارگر، سرباز، دهقان و ملوان شروع به تبلیغات در میان اقشار و طبقاتی که از آنها می آمدند کرده و خواستار به دست گرفتن قدرت در دستهای خود شدند.

شوراها اولین حکم خود را مبنی بر کنترل کامل هر گونه استخدام و اخراج کارگران توسط شوراها را صادر کردند.

۲۴ اکتبر

دولت موقت سعی نمود تا روزنامه ی زیرزمینی بلشویکها که پس از ماه جولای دفتر خودش را عوض کرده و بارها اسمش نیز تغییر داده بود را ببندد.

همزمان تهاجم نیروهای وفادار به دولت موقت به «اسمولنی» که دفتر اصلی کمیته مرکزی بلشویکها و کمیته نظامی انقلابی بود آغاز شد.

مرحله ی نهائی انقلاب اکتبر آغاز گردید. در شب هنگام، گاردهای سرخ و کارگران شورا به رهبری «تروتسکی»، کنترل تمامی پلها روی رودخانه «نوا» و نقاط استراتژیک شهر را در دست گرفتند. «لنین» نیز به «اسمولنی» مراجعت نمود و خود رهبری مستقیم انقلاب را در دست گرفت.

۲۵ اکتبر

نزدیکی بامداد بود که گاردهای سرخ دفتر اصلی پست، ایستگاههای مهم قطار نظیر «نیکولوسکی»، «ورشیسکی»، «بالتیسکی»، نیروگاه برق، بانک دولتی، تلفخانه مرکزی و ساختمانهای دولتی را اشغال کردند. «کاخ زمستانی»، «کاخ مارینسکی» و چند مکان دیگر همچنان در کنترل عوامل دولت موقت بودند.

در ساعت ده صبح کمیته‌ی نظامی انقلابی طی اعلامیه‌ی خطاب به شهروندان روسیه خبر پیروزی انقلاب را منتشر نمود.

در «مسکو» نیروهای انقلابی با مقاومت سختی از جانب سرهنگ «ریابنتسف» روبرو شدند و جنگ بسیاری سخت بین آنان در گرفت.

در ساعت ۴۰: ۱۰ شب، دومین کنگره‌ی شوراهای «اسمولنی» آغاز بکار نمود و منشویکها و اس آر ها آنرا ترک کردند. «کرنسکی» به شمال فرار کرد تا مجدداً نیروهای ضد انقلاب را گرد هم آورد و به دولت انقلابی نوبنیاد حمله نماید.

۲۶ اکتبر

در ساعت دو بامداد «کاخ زمستانی» به تسخیر نیروهای انقلابی در آمد و انقلاب به پیروزی قطعی خودش دست یافت بدون آنکه حتی یک نفر از دو طرف کشته شوند.

در ساعت ۳ بامداد کنگره علاوه بر صدور فرمان صلح و فرمان زمین، تشکیل دولت جدید را اعلام نمود.

۲۷ اکتبر

زیر فرماندهی ژنرال «کراسنف» و «کرنسکی»، سومین واحد پیاده نظام برای تسخیر «پتروگراد» راهی این شهر شدند. آنها توانستند که طی همانروز و روز بعد شهرهای «گاتچینا»، «تزارسکو»، «سلو»، «تپه‌های پلکونو» را به کنترل خود در آورند. نزدیک به شبانگاه، شوراهای به طور موفقیت آمیزی در «مینسک»، «کرونشتات»، «ایوانو-وزنیسنک»، «لگانسک»، «کازان»، «رستوف-ان-دان»، «ریولریال»، «سامارا»، «ساراتوف» و «واکاترنبورگ»، قدرت را به دست گرفتند.

۲۹ اکتبر

جانکر (دانشجویان افسری طرفدار تزار) تلاش کردند به طور مسلحانه زمام قدرت را در «پتروگراد» به دست بگیرند اما توطئه‌ی آنان با هوشیاری و اقتدار گاردهای سرخ خنثی شد. در ضمن «ویکزیل» (کمیته اجرائی مردان راه آهن) خواستار دولت سوسیالیستی متحد مرکب از منشویکها، بلشویکها و اس آر ها شدند. آنها اعلام کردند تا زمانیکه که این دولت به تحقق نرسد آنها از نقل و انتقال مواد غذایی به شهرها خود داری خواهند کرد. عده‌ای از کارگران راه آهن که با این تصمیم موافق نبودند، حمل و نقل مواد غذایی را به درون شهرها انجام دادند. «لنین» تاکید کرد که هیچ کاری نباید انجام داد چراکه

خود کارگران راه آهن این مساله را حل خواهند نمود. در ژانویه کارگران با انتخاب کمیته مرکزی جدید خود، همانطور که «لنین» پیش بینی کرد، این مشکل را حل کردند.

۳۱ اکتبر

حکومت شورایی در شهر «باکو» به پیروزی رسید. حالا بیش از ۱۷ مرکز استان دارای حکومت شورایی بودند.

در ضمن گارد سرخی که با لشکریان «ژنرال کراسنو» روبرو شده بودند به «تپه‌های پولکوو» عقب نشینی کردند و لشکریان دشمن نیز بعد از چندی متفرق شدند.

۲ نوامبر

دولت شورایی اعلامیه حقوق مردم روسیه را انتشار داد. بنا بر این اعلامیه تمامی ملیتهای روسیه می‌تواند به طور کامل از روسیه جدا شده و استقلال خودشان را به دست آورند. در ضمن «فرونیزه» که رهبری گاردهای سرخ «پتروگراد»، ملوانان ناوگان «بالتیک» را بر عهده داشت، گاردهای سرخ را از «ایوانو-وزنیسنسک» برای تقویت شهر «مسکو» فرا خواند. این تاکتیک اشتباه باعث بازگشت نیروهای ضد انقلاب به این منطقه گردید.

۳ نوامبر

در حالیکه اکثریت اعضای حزب «بلشویک» بر عدم شرکت در دولت جدید رای داده بودند. جناحی از بلشویکها همچنان بر شرکت در این دولت پافشاری می‌کردند. این مساله باعث شد که «لنین» التیماتومی به آنها داده مبنی بر اینکه یا از حزب جدا شوند و حزب جدید خود را تشکیل دهند و یا به رای اکثریت حزب «بلشویک» احترام بگذارند. «کامنف»، «زینویف»، «رایکف»، «نوگین» و بقیه گفتند که آنها تصمیم دارند که حزب را ترک کنند. در ضمن، «سوردلف» بعنوان رئیس سراسری کمیته اجرائی حزب به جای «کامنف» انتخاب شد.

۵ نوامبر

لنین پیروزی انقلاب را اعلام کرد و خطاب به کارگران، دهقانان و سربازان گفت: "بخاطر بسپارید که حالا شما خودتان سکان دولت را در دست دارید. هیچ کسی نمی‌تواند به شما کمک کند، اگر خودتان متحد نشوید و همه کار و امور دولت را در دست نگیرید. شوراهای شما از این به بعد، ارگانهای قدرت دولتی هستند، بدنه‌ی قانون گذار با قدرتی تام".

۹ نوامبر

شورای «پتروگراد» به «رادا» هشدار داد که به روش دمکراتیک اجازه دهد تا کنگره ی شوراها برگزار شود؛ عدم اجرائی این فرمان به معنای اعلان جنگ به روسیه

فرمانده نظامی یعنی «ژنرال دنیکین» از آنجایی که از متارکه ی فوری جنگ سر باز زد، از مقامش بر کنار شد. «کریلینکو» جای او را گرفت. «دنیکین» در واکنش، با سازماندهی نیروهای وفادارش، جنگ بر علیه دولت شورایی را آغاز نمود.

۶ دسامبر

برای اولین بار در تاریخ، زنان که طلبه داران انقلاب روسیه بودند، حق طلاق را به دست آوردند. در فقط کمتر از ۳ سال، زنان روسیه اولین زنان در تاریخ بودند که حق استراحت بعد از زایمان به مدت ۴ ماه را به همراه سایر خواسته های مهمی که برابری واقعی زن و مرد را فراهم می کرد، بدست آوردند.

۱۸ نوامبر

در «ولادی وستوک»، دولت شورایی تشکیل شد.

۲۱ نوامبر

دولت شورایی فرمانی را مبنی به اجازه ی شهروندان بر عزل سیاستمداران از مقام و منصبشان را انتشار داد.

۷ دسامبر

چکا (پلیس مخفی) برای مبارزه با ضد انقلابیون و خرابکاران بنیان گذاشته شد و «دزرژنسکی» بعنوان رئیس آن منصوب شد.

۲۳ نوامبر

دولت شورایی فرمانی را در جهت پایین آوردن حقوق بالای افسران انتشار داد.

۱۴ دسامبر

بانکها ملی شدند.

۲۶ نوامبر

نمایندگان دولت شورایی در تلاش جهت پایان بخشیدن به جنگ اول جهانی، گفتگوی صلح را در «برست لیتوسک» با محورهای قدرت آغاز نمودند.

۱۵ دسامبر

دولت شورایی در کنگره ی نظامی در مورد «رفع بسیج عمومی» در جهت پایان بخشیدن به جنگ، پیشنهاد متارکه از جنگ را به قدرتهای مرکز ارائه داد.

۲۸ نوامبر

دولت شورایی در بیش از ۲۸ مراکز استانی، قدرت را در دست گرفتند.

۱۷ دسامبر

۳۶ میلیون نفر از مردم روسیه در انتخابات مجلس موسسان شرکت کردند و نتایج آن برای بلشویکها رضایت بخش نبود. ۵۸٪ رای نصیب اس آر ها، ۲۵ درصد بلشویکها، ۱۳٪ کادتها و ۴٪ منشویکها شد. نتایج رای به خوبی محبوبیت اس آر ها را در میان دهقانان (که بخش عمده ی رای دهندگان را تشکیل می دادند) نشان می دهد. با این وصف بلشویکها اکثریت رای، شهروندان شهرها را (۵۳٪ در مسکو و پتروگراد) و همچنین سربازان و ملوانان را نصیب خود کردند. بلشویکها با دارا بودن حمایت کارگران و سربازان و ملوانان، مجلس بورژوای موسسان را منحل کردند.

دولت فرمان دستگیری رهبری حزب کادتها را که مشغول اعمال ضد انقلابی بودند را صادر کرد.

در ضمن، ساعت کاری کارگران راه آهن به ۸ ساعت کار روزانه کاهش یافت و دفتری به نام «آموزش و پرورش عمومی» بنیان گذاشته شد تا انحصار آموزش و پرورش را که قبلا در دست کلیسای ارتدوکس روسیه بود، از دست آنها خارج سازد.

۳ دسامبر

۱۹ دسامبر

«فنلاند» استقلال خود را از روسیه اعلام کرد. در ضمن کمیته مرکزی شورای «پتروگراد» پیشنهاد یک مذاکره با

کمیته مرکزی شورای «پتروگراد»، حق جدائی بدون قید و شرط «اوکرائین» را پذیرفت. اما «رادای اوکرائین» سعی نمود تا از تشکیل کنگره شوراها در این سرزمین جلوگیری نماید. بعد از این عمل «رادا»، کمیته مرکزی

«رادای اوکرائین» را پذیرفت اما این مذاکرات به جای نرسید.

۲۵ دسامبر

اولین کنگره سراسری شوراهای اوکرائین، این سرزمین را به عنوان یک جمهوری سوسیالیستی شورایی مستقل از روسیه اعلام کرد و به نفی «رادا» پرداخت. شوراهای اوکرائین به همراه گارد سرخ روسیه توانستند در ۲۶ ژانویه ۱۹۱۸ «رادا» را شکست دهند.

۳۱ دسامبر

کمیته مرکزی شورای «پتروگراد» استقلال «فنلاند» از «روسیه» را با وجود حاکمیت یک دولت کاملاً بورژوازی بر این سرزمین، پذیرفت.

منابع

ХРОНОЛОГИЯ; History of the Russian Revolution, by Leon Trotsky;

the Lenin Internet Archive;

The Great Soviet Encyclopedia: Information USSR;

Первая мировая война; An Illustrated History of the Great October Socialist Revolution: ۱۹۱۷.

لنین راهی بی پایان!

«لنین» در ۲۲ آوریل سال ۱۸۷۰ در یکی از شهرهای امپراتوری روسیه چشم به جهان گشود. به مانند بسیاری از جوانان روشنفکر عاصی از ظلم و ستم و ناعدالتی های اجتماعی حکومت تزار به جنبش جوان مارکسیستی روسیه پیوست و به سرعت به یکی از رهبران بلامانع آن تبدیل شد.

لنین عقیده داشت که بدون کار حرفه ای سیاسی و بدون بنا گذاشتن یک حزب پیشتاز با دسیلین و منضبط، جنبش کمونیستی قادر نخواهد بود که دولت سرمایه داری، ارتش و پلیس آنرا را سرنگون کند. لنین و حامیان نظراتش به بلشویکها معروف شدند.

زمانیکه جنگ جهانی اول شروع شد، افتراق و شکاف عظیمی بین سوسیالیستهای در سطح بین المللی بوجود آمد. اکثریت کسانی که خود را سوسیالیست می خواندند به دفاعی کورکورانه از سیاستهای کشور هایشان پرداختند. اما بخش بسیار قلیلی از سوسیالیستها (منجمله بلشویکها)

ضمن عدم پذیرش این جنگ امپریالیستی به دفاع سرسختانه از انقلاب جهانی کارگران پرداختند.

در اکتبر ۱۹۱۷، لنین به همراه تروتسکی به مردم جهان نشان دادند که منظور آنها چیست. بدنیاال سرنگونی تزار در فوریه سال ۱۹۱۷، بلشویکها در شوراهای کارگری شهرهای بزرگ اکثریت بلامانع را کسب کرده و به کارگران روسیه اثبات نمودند که تنها از طریق سرنگونی حکومت پوسیده تزار و سپردن قدرت در دست شوراهای آنهاست که می توان از زندگی اسارات بار و بردگی خلاصی یافت. انقلاب بلشویکی در روسیه باعث شکل گیری نخستین حکومت کارگری در جهان شد.

لنین و بلشویکها، کارگران جهان را فرا خواندند تا نمونه ی موفق دولت بلشویکی ی روسیه را سرمشق خود در مبارزه با سیستم سرمایه داری جهانی قرار دهند؛ در همین راستا آنها «بین الملل سوم» را در سال ۱۹۱۹ جهت هماهنگ کردن مبارزات کارگران در سراسر جهان، بنیان گذاشتند.

ارتش بیش از چهارده کشور امپریالیستی برای مقابله با شیوع کمونیزم در سطح جهان، جنگ را بر علیه دولت شوراهای آغاز نمودند. کارگران روسیه توانستند در مقابل حملات و تعرضات دولتهای سرمایه داری مقاومت کرده و به پیروزی برسند ولی برای این پیروزی آنها بهای بسیار سنگین را پرداختند. اضافه بر تمام مشکلات جانکاهی که روسیه سرخ باید تحمل می کرد، در ژانویه ۱۹۲۴ لنین نیز بر اثر یک سری سکنه های پی در پی در گذشت.

مدت کوتاهی بعد از مرگ لنین، استالین و کاست بورکراتیک او از فرصت به دست آمده استفاده نموده و قدرت سیاسی را غصب کردند. حکومت سرکوبگر استالینیستی نه تنها انقلاب روسیه بلکه بین الملل کمونیستی را نیز به انحطاط کشانند.

سیاستهای دستگاه سرکوبگر نظام استالینی که منجر به کشته شدن میلیونها انسان بیگانه و نابودی جنبش کارگری-کمونیستی در اکثر کشورهای جهان شد، به هیچ وجه ربطی به نظریات و اعمال لنین ندارد.

بر خلاف استالین، لنین یک انترناسیونالیست بود. لنین بر خلاف استالین که منادی دیکتاتوری بورکراتیک بود از دموکراسی کارگری قاطعانه دفاع کرد. نظرات و سیاستهای لنین بعنوان یک راهنمای قاطع، الهامبخش هر انقلابی است که در جستجوی پاسخ به این سوال می باشد: " چه باید کرد؟". امید دادار

نشریه میلیتانت

نشریه ای برای جنبش دانشجویی

زیر نظر: شورای سردبیری

militantmag@gmail.com

دوستان و رفقای هم‌رزم، نشریه میلیتانت را بخوانید و آنرا تکثیر و بین دوستان و آشنایان خود پخش کنید.

برای «میلیتانت» مقالات، مصاحبه ها، گزارشات و عکسهای اعتراضات و اعتصابات را ارسال کنید.